

## سخن سر دبیر

بسم الله الرحمن الرحيم

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ  
سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند

نخستین آیه از سوره قلم گویای حرمت قلم در قرآن کریم است و خداوند در این سوره صاحبان قلم را صاحبان خرد و اندیشه می‌داند و حرمت قلم را تأکید می‌کند. با پیدایش خط، قلم در عرصه تاریخ ظاهر شد، قلم و خط توأمان شدند.

ظهور یا اختراع خط، حیات بشری را به دو مقطع مشخص تاریخی تقسیم کرد؛ عصر تاریخ که عصر خط و قلم و کتابت است و قبل از آن به ماقبل تاریخ شهرت یافت. تاریخ حکایتگر آن است که ما ایرانیان که همیشه زبان پارسی را زنده نگه داشته‌ایم، هیچ‌گاه خط نداشتیم و پیوسته خط را از همسایگان به عاریت گرفتیم و با ذوق و سلیقه خود در آن دخل و تصرف کرده‌ایم.

خط میخی را از سومریان و پهلوی را از آرامی‌ها و خط کنونی پارسی را از سامیان اقتباس کردیم و با افزودن حروفی بر آن، نیاز خود را در کتابت برطرف کردیم. ذکر این نکته نیز ضروری است که گویند: ایرانیان خطی به نام دین دبیره داشتند و کتابهای دینی و مذهبی را بدان خط می‌نگاشتند، اینکه این خط چگونه بوده است بر ما نامعلوم و نامشخص است و فقط نام آن برای ما مانده است.

با ظهور اسلام و پذیرش دین اسلام از سوی ایرانیان، خط عربی که کتاب خدای بدان خط نگاشته می‌شد، در میان ایرانیان رایج و متداول شد.

خط عربی دو اسلوب عمده دارد، یکی اسلوب رسمی با حروف زاویه دار (کوفی) و دیگری اسلوب شکسته باحروف منحنی و قوس دار (نسخ).

هر دو اسلوب از سده اول هجری میان مسلمانان شایع بود؛ اسلوب کوفی برای کتابت قرآن و کتیبه‌ها و اسلوب نسخ برای نوشتن سایر مطالب به کار می‌رفت. خط تزئینی تا سده چهارم منحصر به قلم کوفی بود که در همه جا برای تزئین مورد استفاده قرار می‌گرفت.

از سده چهارم از دو قلم کوفی و نسخ به تدریج قلم دیگری به وجود آمد که به اقلام سته معروف شدند (ثلث، محقق، ریحان، نسخ جدید، توقیع و رقاع) و هر یک برای کتابت ویژه‌ای به کار می‌رفت.

تا اواخر سده هفتم هجری، مهم‌ترین اقلام متداول در ایران همان اقلام سته یا شش‌گانه بود و هیچ یک از این اقلام برای کتابت تندنویسی مناسب نبود تا اینکه ذوق ایرانی از قلم رقاع و توقیع، قلم جدیدی وضع کرد که موسوم به قلم تعلیق شد و برای نوشتن کتابهای فارسی به کار می‌رفت. در اثر تندنویسی، از قلم تعلیق، شکسته تعلیق بوجود آمد تا جائیکه که دیگر شکسته تعلیق خوانا نبود. در نیمه دوم سده هشتم، از ترکیب قلم تعلیق با قلم نسخ، قلم نستعلیق به وجود آمد که معروف‌ترین و زیباترین قلم اسلامی است.

در همین ایام برای کتابت متون دینی و قرآن قلم نسخ مورد استفاده قرار گرفت، اما در مکاتبات و نوشته‌های دیوانی به تدریج قلم نستعلیق جای اقلام دیگر را گرفت. اثر تندنویسی احکام و فرامین دیوانها، قلم نستعلیق به قلم شکسته نستعلیق انجامید. در عصر صفوی دو خطاط هنرمند و نامور برای هر یک از دو قلم نستعلیق و شکسته آدابی وضع کردند تا به سرنوشت قلم تعلیق و شکسته تعلیق نیانجامد؛ این دو تن کسی جز میرعماد و درویش عبدالمجید نبودند.

با تکامل خط در ادوار تاریخی، هنر کتاب‌آرایی نیز رو به تکامل گذاشت و عناصری چون خط و کاغذ، تذهیب و جلد به مثابه عناصر اربعه در کتاب‌آرایی جلوه‌گر شد.

در نسخه‌شناسی و فهرست‌نویسی و رای خط و کاتب، عناصری چون کاغذ، تذهیب و مینیاتور و جلد حائز اهمیت است که اساساً هنر کتاب‌آرایی متکی بر این عناصر چهارگانه است. گرچه در نسخه‌شناسی و فهرست‌نویسی افزون بر عناصر یاد شده

نکات مهم دیگری نیز حائز اهمیت است و امروزه بدان توجه بیشتری می‌شود؛ همچون: شیوه نگارش، مکتب‌های نگارش، انجامه (ترقیمه)، یادداشت‌های افزوده بر نسخه در آغاز و انجام - نه آغاز و انجام کتاب - که خود حائز اهمیت شایانی است و گاه نقاط تاریک تاریخ را روشن می‌کند و برای آنچه که مورّخی بنا به دلایلی از آن غفلت کرده، این یادداشت‌ها بسیار سودمندند.

از آنجا که مرکز پژوهشی میراث مکتوب با شعار «نسخه‌های خطی میراث نیاکان ماست، در حفظ و احیاء آن بکوشیم» در صدد احیا نسخ خطی برآمده و همواره بر آن بوده تا متن منقّح در اختیار پژوهشگران و محققان قرار دهد و نشریاتی نیز در این زمینه منتشر می‌کند، و اهتمام مرکز متوجه تأسیس گروه پژوهشی نسخه‌شناسی متمرکز و اقداماتی در برپائی کلاسهای کارآموزی و کارگاههای آموزشی در داخل و یا خارج از ایران می‌باشد و اخیراً با همکاری مؤسسات فرهنگی همچون مرکز ایرانشناسی آکادمی علوم اتریش اقدام به برپایی سمینار تخصصی نسخه‌شناسی نسخه‌های خطی فارسی نمود، از اینرو تصمیم گرفت شماره پاییز سال ۸۷ را ویژه‌نامه نسخه‌شناسی و متن پژوهی اختصاص دهد.